



اردشیر زارعی قنوتی

تحولات سیاسی– اجتماعی در ونزولا در ماه‌های اخیر بین دولت «نیکلاس مادورو» و اپوزیسیون نزدیک به آمریکا، با مسیر شش‌پانده‌ای به سوی تنش و احتمال برخورد‌های خشونت‌بار پیش می‌رود. انقلاب بولیواری و به تعبیر خود ونزوئلایی‌ها «چاوزیسم» بعد از مرگ رهبر کاریزماتیک این کشور «هوگو چاوز» و بروز اختلافات در بین حامیان وی در کنار سناریوی راست‌گرایان داخلی که از حمایت بدون قیدوشرط واشنگتن برای ایجاد تغییرات اساسی در حوزه ژئوپلیتیک آمریکای لاتین برخوردار بودند، کاراکاس را در مسیر بحران اقتصادی و سیاسی قرار داد. آنچه هم‌اکنون در ونزوئلا جریان دارد، در ابتدا پیاده‌سازی الگوی کودتای پارلمانی به شیوه برزیل بود که به بهانه فساد رئیس جمهوری قانونی این کشور «دیلمار روسف» که گویا مظنون به فساد بود، از کار برکنار کردند و قدرت را به دست «میشل تمر» معاون او که وارد ائتلاف با مخالفان شده بود و یکی از فاسدترین رهبران سیاسی برزیل با پرونده‌های متعدد قضایی است، سپردند. هرچند این پروسه ظاهر قانونی داشت و از طریق استیضاح روسف از سوی مجلس سنای برزیل انجام شد اما تحولات بعد از این برکناری به خوبی نشان داد که این سیستم حقوقی معیوب بازتاب‌دهنده حقیقت دموکراتیک و فاقد مشروعیت نهاد قدرت است.

در ونزوئلا هم پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۶ که به دلیل تشدید بحران اقتصادی و برنامه اشتباه دولت مادورو نارضایتی از دولت او تشدید شد و در انتخابات پارلمانی گروه‌های اپوزیسیون راست‌گرا توانستند اکثریت کرسی‌ها را به خود اختصاص دهند. از همان روز اول شروع سه کار پارلمان جدید پروژه برکناری رئیس جمهوری و برگزاری انتخابات زودرس ریاست جمهوری در دستور کار قرار گرفت. اما ساختار سیاسی در ونزوئلا با برزیل متفاوت بود و در بیش از ۱۸ سال حاکمیت چاوزیست‌ها و تجربه یک بار اقدام شکست‌خورده کودتای نظامی، چاوز دست به پاکسازی ارتش و ایجاد یک گارد امنیتی – نظامی حامی انقلاب زد. در ونزوئلا هم‌اکنون فاز اول بحران در قالب استفاده از مکانیسم حقوقی برای برکناری نیکلاس مادورو با اسنده دولت از یک امکان حقوقی بازآرنده دست به «پاتک» زد و با برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان توانست این حربه قانونی را از مخالفان سلب کند.

طبق قانون اساسی اصلاح‌شده ونزوئلا در شرایط اضطراری که بین مجلس ملی و دولت اختلافات غیرقابل حل بروز می‌کند، مجلس مؤسسان جدید می‌تواند با انحلال مجلس ملی تصمیمات قبلی را بلوکه کند و مافوق آن دست به تصویب قوانین تازه بزند. اتفاقا این حربه قانونی را ابتدا مخالفان و اپوزیسیون دو هفته قبل از همه‌پرسی پیشنهادی رئیس جمهوری برای بازنگری در قانون اساسی و تشکیل مجلس مؤسسان جدید، به صورت سمبلیک استفاده کردند و در روز یکشنبه ۱۶ جولای با برگزاری یک همه‌پرسی نمادین و بدون نظارت هیچ نهاد قانونی ملی و بین‌المللی که به گفته آنان حدود هفت میلیون نفر در آن شرکت کردند، رای به برکناری دولت مادورو دادند. مخالفان با این اقدام جهت پیشگیری و تحریم همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی و تشکیل مجلس مؤسسان در ۳۰ جولای قصد داشتند حمایت افکار عمومی و قدرت‌های خارجی را به



# ونزوئلا بر لبه تیغ جنگ و صلح

سمت خود جلب کنند. تحریم پیشنهادی مخالفان برای عدم شرکت مردم در همه‌پرسی مادورو نتوانست جواب دلخواه آنان را فراهم کند و در این همه‌پرسی بیش از هشت میلیون نفر شرکت کردند و به صورت تقریبا مطلق به کاندیدای حزب سوسیالیست حامی رئیس‌جمهوری رای دادند. درحالی‌که در همه‌پرسی سمبلیک مخالفان هیچ نظارتی انجام نشد و بنا بر گفته رهبران مخالفان حدود هفت میلیون نفر شرکت کردند. در همه‌پرسی رسمی پیشنهادی دولت هشت میلیون نفر و ۴۱،۵ درصد برای برگزیدن ۵۴۵ نماینده شرکت کردند. هرچند مؤسسه بریتانیایی مسئول رای‌دهی «اسمارتماتیک» که برگزارکننده رسمی این همه‌پرسی قانونی بود، بعد از اعتراضات اپوزیسیون و کشورهایی مانند آمریکا اعلام کرد که این احتمال وجود دارد که به تعداد رای‌دهندگان واقعی حدود یک میلیون افزوده شده باشد اما در بدبینانه‌ترین وضعیت می‌توان میزان حمایت از دولت را در عدد تقریبی هفت میلیون نفر دولت و مخالفان مساوی فرض کرد. بدون هیچ تردیدی دولت مادورو امروز بخش بزرگی از حمایت‌های توده‌ای خود را از دست داده است که دلایل متعددی از جمله بحران اقتصادی، کاهش قیمت نفت، اختصاص بودجه‌های کلان به طرح‌های آموزش و بهداشت رایگان در شرایط کمبود منابع ارزی، تحریم‌های مستقیم و غیرمستقیم خارجی، پیوند بخش تجاری کشور با مخالفان، حمایت تمام‌قد نهادهای قدرت در واشنگتن از اپوزیسیون و همچنین اشتباهات دولت کاراکاس درباره شکست مدیریت بحران خواهد داشت. دوقطبی ایجادشده در این کشور و تشدید منازعه بین دولت و اپوزیسیون که به چیزی غیر از ساقط‌کردن حاکمیت چاوزیست‌ها رضایت نمی‌دهند، در کنار دخالت فعال خارجی علیه دولت کاراکاس هم‌اکنون

- از آنجاکه بعد از کودتای شکست‌خورده دوره صدارت هوگو چاوز بخش اصلی ارتش وفاداری خود را به دولت نشان داد و در کنار آن نیز کارهای محافظ انقلاب بولیواری تشکیل شد، بدون تردید امنیتی‌شدن و درگیری‌های نظامی از قاعده کودتاهای بدون مقاومت دوران سپاه «خوتاهای نظامی» در آمریکای لاتین پیروی نمی‌کند و بخش عمده نظامیان و شبه‌نظامیان حامی دولت دست به مقاومت نخواهند زد**
- 
- 

وضعیتی را ایجاد کرده است که راه برای مصالحه مرضی‌الطرفین تا حدودی بسته شده است. مادورو با برگزاری همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی و تشکیل مجلس مؤسسان توانست جلوی کودتای پارلمانی را برای ساقط‌کردن دولت سد کند. این چرخه منازعه بدون شک در روزهای آینده موجب رویارویی‌های بیشتر بین اپوزیسیون و دولت کاراکاس و همچنین دخالت فعال‌تر واشنگتن در امور ونزوئلا خواهد شد. اما آنچه هم‌اکنون در حال وقوع است و خطر بی‌ثباتی در این کشور نغث‌خیز را که گفته می‌شود بزرگ‌ترین ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است، افزایش می‌دهد. چرخه خشونت‌هایی است که چرخه آن در رویارویی بین مخالفان و دولت در شورش‌های خیابانی کلید خورد و حدود ۱۱۵ نفر از هر دو طرف قربانی شدند و هم‌اکنون نیز گروه‌های شبه‌نظامی و بعضی نظامیان برکنار‌شده در سیاق حملات مسلحانه به دیوان عالی کشور و پادگان نظامی شهر «والنسیا» حملاتی انجام داده‌اند.

سوم مانند مدل برزیلی هم‌اکنون است که با شکست پروژه برزیلی هم‌اینگ سناریوی جنگ‌های داخلی به شیوه بحران سوریه در دستور کار بخشی از مخالفان و حامیان خارجی

## شبح کودتای نظامی بر سر ونزوئلا

تصور می‌کنند رهبرانشان به آنها خیانت کرده و اعتراضات را به هفته بعد موکول می‌کنند. احزاب سیاسی موجود در ائتلاف مخالفان نیز درباره مشارکت در انتخابات آینده دچار اختلاف دیدگاه شدند زیرا بسیاری دولت را از هم‌اکنون به تقلب گسترده در انتخابات مجلس مؤسسان متهم می‌کنند. مسئله بی‌اعتمادی به رهبران اپوزیسیون ونزوئلا را می‌توان در اظهارات یکی از جوانانی دید که با صورت پوشیده راه‌ها را در کاراکاس بند آورده و به رویتز می‌گوید: «ما باید ایمان به ائتلاف مخالفان را کنار بگذاریم. باید فقط به خودمان ایمان داشته باشیم». او تحصیل در دانشگاه را رها کرده و برای شرکت در اعتراضات به کاراکاس آمده است. این جوان که ۲۰ سال بیشتر ندارد، یک بمب آتش‌زا با خود حمل می‌کند.

**تشدید منازعات**

لئویس ویسنت، تحلیلگر سیاسی، می‌گوید، سرکوب حکومت می‌تواند گروه‌های تندرو را به کارهای مخفیانه و تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی، آن‌هم در کشوری که به وفور در آن سلاح وجود دارد، سوق دهد. او به رویتزر می‌گوید: «با تشدید برخورد‌های دولت، مخالفان نیز به اعمال خشن‌تر روی می‌آورند و همین آینده را خطرناک می‌کند».

برخی دیگر از تحلیلگران درباره احتمال وقوع یک جنگ داخلی در این کشور صحبت می‌کنند و می‌گویند، اگر این اوضاع تغییر نکند، ممکن است کشور به سمت یک جنگ داخلی پیش برود؛ برای مثال در ۳۰ جولای یک انفجار در همان روز رای‌گیری برای مجلس مؤسسان رخ داد که در جریان آن هفت نیروی پلیس موتورسووار هدف قرار گرفته و مجروح شدند.

### جهان



# ۳ سناریو برای آینده نتانیا‌هو

یک روزنامه اسرائیلی سه سناریوی قابل‌پیش‌بینی را برای آینده نخست‌وزیر این رژیم پس از طرح پرونده‌های فساد علیه او مطرح کرد. سناریوی اول که بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، آن را ترجیح می‌دهد؛ این است که مجبور به استعفا نشود.

سناریوی دوم نیز این است که وزرا از او بخواهند پس از طرح کیفرخواست علیه او، کنار بکشد و انتخابات زودهنگام برگزار شود؛ اما بر اساس سناریوی سوم که بیشتر به واقعیت نزدیک است، سرنوشت نتانیا‌هو در بهار سال ۲۰۱۸ مشخص خواهد شد.

پیش‌تر دادستانی کل اسرائیل از توافقی با آری هارو، معاون سابق نتانیا‌هو، خبر داد که بر اساس این توافق، به هارو اعلام شده بود اگر اطلاعاتی را درباره ارتباه فسادی ارائه دهد که پلیس اسرائیل از چند ماه قبل درباره آن از نتانیا‌هو بازجویی می‌کند، دیگر هارو به زندان نخواهد افتاد؛ اما هارو به نزدیکان خود گفته بود تلاش نمی‌کند اتهام‌هایی علیه نتانیا‌هو مطرح کند تا خود از مجازات رها شود؛ چراکه خود نیز در این پرونده گرفتار است.

**سناریوی اول**

بر اساس سناریوی نخست، پلیس مجبور خواهد شد تحقیقاتی در درباره نتانیا‌هی که از هارو به دست می‌آورد، به عمل آورد که بر اساس آن، مسئولان اسرائیلی باید به ایالات متحده نیز روند و نتانیا‌هو همی علیه نتانیا‌هو اقدامات می‌کند، دیگر هارو به زندان نخواهد افتاد؛ اما هارو به نزدیکان خود گفته بود تلاش نمی‌کند اتهام‌هایی علیه نتانیا‌هو مطرح کند تا خود از مجازات رها شود؛ چراکه خود نیز در این پرونده گرفتار است.

پلیس مجبور خواهد شد تحقیقاتی در درباره نتانیا‌هی که از هارو به دست می‌آورد، به عمل آورد که بر اساس آن، مسئولان اسرائیلی باید به ایالات متحده نیز روند و نتانیا‌هو همی علیه نتانیا‌هو اقدامات می‌کند، دیگر هارو به زندان نخواهد افتاد؛ اما هارو به نزدیکان خود گفته بود تلاش نمی‌کند اتهام‌ها قابل‌تحقیق کنند، بر اساس گزارش اورشلیم‌پست، در این گزارش، پلیس نمی‌تواند سفارشی برای ارائه کیفرخواست علیه نتانیا‌هو تا اواخر سال جاری میلادی بدهد. در این گزارش آمده است: اگر این گزارش‌ها درست باشد، در این گزارش‌ها در اوایل سال ۲۰۱۸ مطرح شود، نتانیا‌هو باید در جلسات دادگاهی حضور یابد که مدت‌زمانی طولانی می‌طلبد و پس از گذراندن یک برهه زمانی، نتانیا‌هو قادر خواهد بود درباره لغو اتهام‌ها علیه خود در مقابل کارگذاشتن فعالیت سیاسی، مذاکره کند و حتی ممکن است تبرئه شود.

**سناریوی دوم**

اورشلیم‌پست نوشت: سناریوی دوم این است که پلیس اطلاعات ارزشمندی را از هارو به دست آورد که بر اساس این اطلاعات، تصمیم بگیرد کیفرخواستی را علیه نتانیا‌هو در ماه میلادی آتی مطرح کند و ممکن است شواهد و ادله بسیاری به نتانیا‌هو ضرر برسانند و شرکای ائتلاف از او بخواهند تا از قدرت کنار برود و به دولت در نوامبر آتی رای عدم اعتماد داده شود و یکی از طرف‌های ائتلاف دولت با رای مخالف به دولت، کمک کند که دولت برکنار شود.

طبق این گزارش، در این سناریو، احتمال نمی‌رود عضو دیگری از اعضای کابینه، متقاعد شوند یا بر اساس تصمیم خود، دعوت تشکیل دهد؛ به همین دلیل، دعوت به انتخابات سراسری می‌شود و یکی از رهبران لیکود تلاش خواهد کرد تا نتانیا‌هو را در ریاست این حزب تغییر دهد. در همین حال، ممکن است نتانیا‌هو در اواخر سال محکوم شود؛ اما محاکمه او برای مدت‌زمانی بسیار طولانی ادامه خواهد داشت.

**سناریوی سوم**

بر اساس سناریوی سوم که این روزنامه اسرائیلی معتقد است، بیشتر به واقعیت نزدیک است، دادستان کل اسرائیل دوره زمانی سه تا شش ماه را اختصاص خواهد داد تا تصمیمی را بر اساس توصیه‌های پلیس برای طرح اتهام علیه نتانیا‌هو اتخاذ کند.

منابع پلیس این اطلاعات را فاش کرده‌اند که احتمال می‌رود توصیه‌های پلیس در اکتبر یا نوامبر، پس از پایان تعطیلات یهودیان، ارائه شود و این به این معناست که سرنوشت نتانیا‌هو در بهار سال ۲۰۱۸ تعیین خواهد شد.

#### یادداشت

### ردپای هالیوود در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی



هادی فیروزی

پایان جنگ جهانی دوم، شروع جنگ تازه‌ای بود که بدون شلیک هیچ گلوله‌ای، جهان را به دو قطب غرب و شرق تقسیم کرد. جنگ سرد در دورانی روی داد که زنگ خطر گسترش کمونیسم در تمام دنیا، حتی در دل آمریکا به گوش می‌رسید. این جنگ تقابلی بین آمریکا و شوروی بود و در آن به‌قدری بمب‌های هسته‌ای آماده شلیک بود و به حدی زاغه‌های مهمات تا نهایت ممکن بر از سلاح و بمب‌های ویرانگر بودند که برای نابودی تمام کره زمین کافی بود.

در این میان دانشمندان، ورزشکارها، پزشکان، فضانوردان و هنرمندان هر دو سوی نبرد نقش پیاده‌نظام را داشتند. در این شرایط بود که هالیوود جنگ را بدون شلیک هیچ گلوله‌ای با نفع آمریکا به پایان رساند. تصویر پررنگ ولعباب و زیبایی زندگی غربی در فیلم‌های هالیوود از قناعت ریاضت‌وار مردم در نظام کمونیستی جذاب‌تر بود و مردم شوروی را شیفته غرب کرد.

هم‌زمان حکومت شوروی تبلیغات اغراق‌آمیزی در فیلم‌ها برای تبلیغ زندگی به سبک کمونیستی انجام می‌داد. اهالی شوروی در این داستان‌های خیالی مردمی بودند که همگی با رضایت به طور دسته‌جمعی کار می‌کردند و کار می‌کردند. قهرمان این فیلم‌ها همه مردم و توده‌ها بودند، اما سبک فیلم‌های آمریکایی متفاوت بود.

قهرمانان فیلم‌های آمریکایی آبرنسان‌هایی بودند که یک‌تبه به جنگ همه بدی‌های دنیا می‌رفتند. برای مردم شوروی تماشای این ابرقهرمان‌ها از تماشای مردم سخت‌کوش تحت نظام کمونیسم جذاب‌تر بود. آن‌طور که جلال‌آل‌احمد در «سفر روس» می‌نویسد، دوباره مردم شوروی در بی رفاه به سبک غربی حرکت می‌کنند و روزبه‌روز خشونت نظام‌مند کمونیستی کم‌رنگ می‌شود. در شرایطی که پس از مرگ استالین، شوروی روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شد، آمریکا به‌سرعت در حال تکمیل تصویر «رؤیای آمریکایی» بود. رؤیای سرزمین قهرمان‌ها؛ جایی که هرکسی می‌توانست در آن با سعی و تلاش به هراچی برسد و این‌گونه هالیوود کارخانه رؤیاسازی شد. در این شرایط شوروی که از درون پوسیده بود نیاز به حمله خارجی نداشت. گورباچف، آخرین رهبر شوروی، زمانی که قدرت را در دست گرفت، مصمم بود رابطه با غرب را عادی کند. با آشتی شوروی و آمریکا، ابهت ابرقدرت شوروی درهم شکست. زیرا تمام ماهیت شوروی کمونیست دشمنی با غرب بود و در نهایت پلتسین پس از گورباچف آمد تا فروپاشی شوروی رو به احتضار را نهایی کند.

در دوران جنگ سرد و پیش از فروپاشی شوروی، پروژه دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا معطوف به شوروی و آقمار آن بود. در کنار هالیوود، ابزارهای دیگری همچون موسیقی راک، ارائه سبک زندگی آمریکایی با تمام جذابیت‌هایش، برنامه‌های رادیو اروپای آزاد و … نیز مورد استفاده قرار گرفتند. این ابزارها وضعیتی روانی را برای شوروندان شوروی کمونیستی فراهم می‌آورد که ناخودآگاه خود را مشتاق به پیوستن به غرب احساس می‌کردند. «برده آهنین» (۱۹۴۶) اثر ویلیام ولمن و فیلم «مایکل دالسون» (۱۹۵۶)، اثر گوردون دالاس با موضوع وجود کارخانه‌های هسته‌ای که جاسوسان خارجی در درون یافتن نقشه آن بودند، گام‌های نخست هالیوود در این نبرد بود. سینما در دوران جنگ سرد بیش از دیگر وسایل ارتباط جمعی توانست وحشت، ترس جمعی و بی‌اعتمادی موجود در جامعه کمونیستی را منعکس کند.

خطر «تهدید سرخ» جامعه آمریکایی را فرارگفته بود و بعضی از فیلم‌ها با این ادیتون‌ها که دشمن آن خارج می‌آید، ازهم‌سختی‌کنی خانواده‌های تحت سلطه نظام کمونیسم را نشان می‌داد. فیلم‌های «جیب‌بَر خیابان جنوب»، «یک، دو، سه»، «یک‌دقیقه به صفر» و «حکومت نظامی» هم نمونه‌های دیگری از رویکرد بازنمایی هیولای کمونیسم در هالیوود است.

انیمیشن «مزرعه حیوانات» از اواخر دهه ۵۰ میلادی و با اختصاص بودجه قابل‌توجه و مخفیانه دولت آمریکا برای مبارزه با گسترش فرهنگ کمونیسم ساخته شد. شرکت سائترلند نیز با تولید مجموعه‌ای از انیمیشن‌های تبلیغاتی وارد کارزار شد. هدف از این تولیدات، رواج فرهنگ آمریکایی و همچنین جلوه‌دادن به آمریکا به‌عنوان بهترین بود. انیمیشن «در رفت‌وآمد» که سال ۱۹۴۶ به سفارش دانشگاه هاردینگ ساخته شد و به کارتون جنگ سرد معروف شد.

قهرمان‌ها و ابرقهرمان‌ها نقش پررنگی در این میان پیدا کردند. فیلم پرفروش «راکی» و نمایش تئیمیلی جنگ سرد شوروی و آمریکا در رینگ بوکس است. در این فیلم «سیلوستر استالونه» (بازیکر نقش راکی) که با ابغای نقش در سه فیلم قبلی راکی، هویت خود را به‌عنوان نماینده مردم آمریکا که می‌تواند با پشتکار از صفر به قله‌های پیشرفت برسد تثبیت کرده، با حریف روس خود به نبرد پرداخته و پیروز می‌شود. در پایان فیلم «راکی ۴» نیز پس از اینکه استالونه به شوروی می‌رود و دل تماشگران روس طرف رینگ بوکس این کشور را به دست می‌آورد و قهرمان بوکس شوروی را شکست می‌دهد، در نطقی خطاب به مردم شوروی می‌گوید: «وقتی اینجا آمدم شما من را دوست نداشتید و من نیز علاقه چندانی به شما نداشتم، بعد دیدم که احساسات کم‌کم تغییر کردند. شاید همه ما بتوانیم تغییر کنیم». جمعیت می‌خروشد و رهبر شوروی هم برای تشویق به‌با می‌خیزد. استالونه همچنین در فیلم «رمبو» که جنجالی‌ترین فیلم آن زمان بود، نقش یک سرباز بازنشسته، عضلانی و غیرقابل‌تربیت جنگی و پرتنام را ایفا می‌کند. «رمبو» یک‌تبه زندانیان آمریکایی در ویتنام را از دست شکنجه‌گران کمونیست ویتنامی و رئیس روس اردوگاه زندانیان جنگی نجات می‌دهد. در «مبو۳» در سال ۱۹۸۸ قهرمان به افغانستان می‌رود تا مجاهدین افغان را در جنگ با متجاوزان شوروی یاری دهد.

سرتاج با تلاش‌ش شدن کمونیسم در شوروی و فروپاشی بلوک شرق، هالیوود در «ای‌کی۵» سقوط کمونیسم جشن گرفته می‌شود. در سکانسی که راکی، مشتزن روسی را شکست می‌دهد، کوپبی نه‌تنها حریف خود که همه روس‌ها و عقاید آنها را نابود می‌کند. سقوط حزب کمونیست در شوروی و بلوک شرق نقطه‌عطفی در تاریخ سینمای هالیوود بود. فروپاشی شوروی کمونیسم، ورشکستگی کارخانه ساخت آدم‌های قالبی در این کشور بود؛ آدم‌هایی که مجبور بودند یکسان فکر کنند و مطیع محض اوامر حزب حاکم باشند. شورش مردم علیه دیوارها اجتناب‌ناپذیر بود و آرمان‌های سوسیالیسم فروپاشید. حالا هر مجسمه تهنه‌کنه‌شده‌لنین در گوشه کنار شوروی سابق، یادگار کسی است که زمانی به جنگ خدا و الهیات رفت و قهرمان مردمی شد که تا چندین نسل تاوان ایمان به او را پرداختند.

اینک مردم بسیاری که هنوز در دیگر کشورهای تحت سیطره کمونیسم هستند، نظیر چین، کره‌شمالی و کوبا چشم‌انتظار رهاشدن از دیوبی جنگ که از قرن گذشته تا به امروز هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد.